

# تذکره جلال مبارک

## بسم الله الرحمن الرحيم

جناب آقا میرزا محمد علی

برای ترقیب بعضی اسرار و لغزین و جمل  
 پنج خط بطرافت نمود در طبرستان حرمه  
 امرام و مقامه شاکه اهل چهار ایتام کتاب  
 عهد جمال بزبان معرفت نموده اندیدیم و همچنین  
 در اسبها ن نسخه استعدلال منصفه شیا که  
 سنوا جناب آقا میرزا عبدالمسین نقاس  
 فرستاد و بدید چند دقیقه پراگش تخیلیج  
 وقت نمود  
 و اندازده هفتایا بیلر اشری حق

(۱)  
 در مستند اللک مستحک خورد نوشته آید  
 که ترانس از جلال مبارک هر زدن است عید ام  
 و اراج چه مستند دارند تمام اواج جلال مبارک  
 در ایران منتشر است اگر مرافق و بعضی  
 جملات و عمر فاش است چنانچه تصویر اندیج افه  
 در کتابچه خود نوشته و طبع و نشر سفاه  
 و غش خود نموده است عمل طوری سکه  
 در فوق ذکر شد احباب کل و کوسه نیستند  
 که وقتش او را نتوانند از تخیلیج نمایند  
 گذشته لزان اگر شخص شایک آبه از انور  
 مبارک به آبه مبارک اندامش بمر ارمال  
 و همچنین آبه دیگر در کتاب عهدی سکه

(۲)

شیا که آسکرک قلمسین باین پندشگر وید  
 کرده می نموده می شدیم و سببیکه انبیا  
 دین آقا و اجدادی خود را دستلال در ظل  
 جلال مبارک و مر حکم عهد انفس انضال  
 در نسجه فاضل و چه می سو نورک نموده کور  
 و فرست جایی داشته اند علاوه تریب سفاه  
 سال در ظل جلال مبارک و حضرت عید البها  
 تربیت یافته اند و شاهجه قدرید به که این  
 نور سدا حق و کوسه هر می نموده با فرورد  
 لعیای ایران از تاریخ برنگیت جیلت شرم  
 اورشما قبل از صعود جمال قدم و همچنین  
 حرکت تکلیف شیا بس از صعود جلال مبارک

(۱)  
 در توضیح آبه مبارک اول در کتاب اقدس  
 نازل شده است و اصناف و اقلان و همه اهل  
 هزارا نوم و چهار و نهم نمود یعنی حضرت  
 صد البها سر بخا امر فرموده اند عمل می  
 نمودید مقام خود را از دست می دلید  
 ل چون نفس عهد و بیان حکم کردید  
 از نصیبت منقش شدید و حکم طبعه هجره را  
 پیدا نمودید که لاین نراست و نس و نسفا  
 اگر یک خرد از ابات و ایلو داملول بید بیدمان  
 لغنه هیزم حسید و نس و نس فاطم جمال  
 مبارک حضرت عید البها بین کتاب  
 و سر کن عهد بوده اند و چون شیا نفس عهد

(۳)

در حرم این می سال اخیر کمالاً مسجودند  
 جبار تیره عهد طینت و در کفر تکلیف شیا بر سر  
 و در صیر کمال چنان برده کتب مسامت که تک  
 و انضاح خود را می بشود از روی کمال بلاغت  
 تصور نموده آید که این جبار از شیا تجلوز نموده  
 بر چشم احباب انشته است و سدا آنکه جلال  
 جیلت شیا جزو جزو در دفتر روزگار مینویس  
 و منظم و طلست و خود را بخیر ان و تکلیف  
 انسی گرفتار کردید و در سیاحت بجای خود را  
 رسانیدید که کفر و رحمت پروردگار و در حق  
 خود را محروم نمودید و الا انما اولاد الله عید  
 خیراً بصره بیوب قبه

(۲)  
 کردید و در هر من این می سال مولانا اخلص  
 امر جلال مبارک خلاف و نمرود نمودید و تمام  
 م خود را در احدا حضرت عید البها و انضال  
 و نصیص لبر الله صرف نموده هر چیزی که  
 نام انار جلال مبارک از انجبه شایرون آید  
 این دلایلی و چنین عوجب سدی که سفاه  
 و سر میرزا بیج افه منتشر است از عهد لایب  
 و عرفات ننگین خود شیا بنهارم و آبه آقابلی  
 انضال و سوره لغزای عید ام این انار در طرف  
 این می سال اخیر حکما بر دو پرا انضال  
 ندادید و همه احباب شخص شیا از ان  
 میدانیم و نوبه انرا بر سله میرزا بیج افه

مطوب میبارم لهذا دست روی نشود  
بگذارد که این ترحات و بحولات شایسته  
مورد قبول و اعتنائی درین بهائیان نخواهد  
افتد دیگر آنکه در استدلال مضحک خود  
میگویند که حضرت قصص اعظم همکارا  
از ربات خود محروم نموده این هم بارقص  
در تازیکی است باین دلیل بر کمال حق و ولادت  
شاست که خود را در حداد همکارا با امانت  
عصه و پیمان جمال مبارک میگذارد طاعت  
عبد البیاء حقیقی آسمانی و الهی بود شایسته  
خریات کلاهیج و چه شایسته در بیانیه همانست  
که نوشته شد شخص شیوا الزهر کسی در هر بیژر  
بست ترمیدانیم و بخوبی بدانید که رقص

حلقی بالاتر از این تصور است که بنقض  
عبد و خیات بحال نعم یک همچو مقام  
متصور در آن خود سلب نموده اینست که  
از شدت حق دیگر انعام احق میشمارید  
تخص شایه آن نمی هستید که عطر انیس  
گفتید بنویسید بروی برد و ادعای نداشت  
این همه پیرایه هلا اتری بویست و صفت  
الوحیت بود که خود این اتم معرفی شود  
و بدین وسیله عطر او میخواستید در حداد  
طاعت عبد الهی بشود مساعد تا اتم و حال  
باین دعائی احقانه اعمای این بلکه تخصیص  
در این شرعاً میباید  
فراخر صریحاً بنویسیم ما اهل با حضرت

در تازیکی شایه خریدار نخواهیم شد با این  
ترتیب شده جل قدم و سر که همه محکم  
اوست باشد کوه و کوه است بنسبت غنچه  
هزار و سیصد سال قبل بود و امروز اجباب  
در لرد بسم و الله در کتب ساری ترمیم  
سهرار و با صد سال پیش بوده در این فرد  
مورانی و اینکه میگویند شنیده می شود که  
حضرت عبد البیاء مد از خود کوی در زمین  
فرموده اند و اجباب باید رجوع بکتاب عهد  
باید بلی چون شما بنقض عهد و عاقبت با سر  
جمال مبارک از خصیت منقطع شدید و ظلم  
بمورد گردید و فقط قطعه حیرم شده

اعلی نظر مردانیت حق و مشر جمال اقدس  
ایمی دانیم و چنانچه سلو کر انظر کلی حضرت  
احدیست می شناسیم و حضرت هدایت را مرکز  
عهد و پیشانی و میر منصوص آیت اثر اشراق  
ضیبه دارم و حضرت شرفی اتمی قصص  
ممتاز نامت از دوسره در بیانیه و ولی که در اعظم  
در ارجح الاطاعت در سرور عنبر و فائز و معانی  
خوش مبتلیم و شایسته غریکه قیامی  
هیا کل تفاق و شفاق بلای مانند اید ناقص  
بر خود و عد و عنود امر الهی میدانیم و نظر  
اندیش را رواق انگیزه شایه موجب  
نسکت و مستترم کفاره کیر می بندلیم ای  
بیچاره در مدت هفتاد سال طاعت و اشروغی

حضرت عبد البیاء هر کس را بعین  
فرموده باشد بر ما واجب الاطاعت است  
حضرت شرفی اتمی از احقانه الهیه که  
قصص ممتاز نابت از دوسره در حقیقت انسانی  
خود دارند اگر اقتدر و عظم خود را ولی  
لمر معر و فرموده بودند بر مدبر و مکر می بود  
و در علم ارفا در اطاعت او بکنفر منزلت  
یاقت نمی شده همه در کمال خضوع اطاعت  
اورامی نمودیم صریحاً از طرف خود و تمام  
اجبای فارس بنویسیم که ترحات شایه بین  
اجبای ارات ابداً مورد اعتنائی نشده  
و نخواهد شد و بنویسید جهت زحمت تحریر  
و جلاتین کردن آن نکشید مگر جز قسم

در ارض مقدسه وهم جو از بود بد نویسی  
متعدن هنوز سیدت قطع کافر اجم تر نه اید  
و متصد اشکال خود را زوی اوراق بلویک  
درین نکات عطاری بنویسی حال غمناهی  
ریاست بر اهل جهانی فانی زهی حضرت  
اینکس مرصه سیرخ نه جولا نکه توست  
عرض خودی بری در زحمت ملید اوی  
محمد باقر علی  
شیراز ۲۵ مارچ سنه ۱۳۲۲



افتتاح خود نمان توری ندلرد و این شرعاً  
که در جو بعین بنویسیم سبب تشویق شایه  
همان رقص در تازیکی بشود که باید تکلیف  
بیدا کنید و باز شرحی در جواب این مشروحه  
بنویسید این مرتبه را وظیفه خود دانسم  
که مرط بلاهت است که نماندارم شرح  
قائری شایه نخواهم خواند و همان توضیح  
وقت بخوانند لاشعاً متعذک آ اول شایه  
مستترم کفاره میدانم بخود جمال قدم طاعت  
طاعت نس مگر اگر یک آف حسن و شجور  
و غیرت پیدا میگردید و بیک طه البصر  
از نیک و نکبت و اقصا ح بود اکامی تنید  
بست خود خود را هلاک میگردید در آنکه

### جواب شهادت شایه

بعضی مدانیست که در علم استحقاق  
و جهالت مذکور است و بنویسند که  
فانسه حقیقه در این بیانیه و توضیح  
و ادعای خود را در این بیانیه و توضیح  
صراحتاً در بیانیه و توضیح بنویسیم  
بلکه بار اتم خدا و شایه در بیانیه و توضیح  
و ادعای خود را در این بیانیه و توضیح  
بنویسیم